

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

بهزاد مالکی  
۱۴ اپریل ۲۰۱۶

## ترکیه در چنبره تضادهای سرمایه داری و اسلامگرایی

۱

ضربه انتخاباتی ۷ جون ۲۰۱۵ بر پیکر حکومت اسلامگرایی ترکیه، نقطه پایانی بود بر سرعت بالا رونده حزب حاکم «عدالت و توسعه» و رهبر جاه طلب آن «رجب طیب اردوخان» که درصدد کسب قدرت انحصاری از طریق تغییر قانون اساسی است. روند اسلامگرایی و رشد فزاینده نئولیبرالیسم در مدتی که این حزب به قدرت رسیده، با پیش زمینه های ایدئولوژیک نو- عثمانی (پان ترکیسم) و پان اسلامیسم، جامعه ترکیه را با بحران سیاسی- ایدئولوژیک کم سابقه ای روبه رو کرده و به بحران اقتصادی آن دامن زده است. بررسی این مسأله برای ما از اهمیتی دوگانه برخوردار است. از یک طرف ترکیه - به عنوان قدرتی منطقه‌ئی- در یک رقابت ستراتیژیک با دو قدرت توسعه طلب دیگر یعنی ایران و عربستان بر سر رهبری «دنیای اسلام» قرار دارد (منظور از «دنیای اسلام» اساساً کشورهای مسلمان نشین منطقه خاورمیانه است. طبیعی است که کشورهایمانند اندونزی، پاکستان، بنگله دیش، افغانستان و غیره هم مورد نظر پان اسلامیست ها هستند اما تا آنجا که به رژیم های ترکیه، ایران و عربستان مربوط می شود، کشورهای خاور میانه، شرق مدیترانه و افریقای شمالی اولویت دارند). ترکیه که عضو پیمان ارتجاعی ناتوست، هیچ گاه داعیه رهبری جهان اسلام را که در طی چند قرن در دوره امپراتوری عثمانی یدک می کشید، رها نکرده است. اردوخان در سخنرانی هایش بارها اعلام کرده است که هدف ترکیه رهبری جهان اسلام و تحقق وحدت و همبستگی جهان اسلام است. اشارات او در کنگره چهارم حزب عدالت و توسعه، ۳۰ سپتمبر ۲۰۱۲، به روشنی این ستراتیژی را توضیح می دهد. «اردوخان بر رهبری جهان اسلام به جای عضویت در اتحادیه اروپا تأکید کرد و آن را هدفی برای خود و گروه همراهش دانست. در عین حال در این چارچوب کنگره حزب عدالت و توسعه به کنگره بزرگ اخوان المسلمین در جهان اسلام تبدیل شد که در آن عالی ترین رهبران مصر و تونس و فلسطین نیز حضور داشتند.»

(<http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/1907515>)

به دنبال شرکت در این جلسه، خالد مشعل رئیس دفتر سیاسی جنبش مقاومت اسلامی فلسطین - حماس - گفت: «رجب طیب اردوخان نخست وزیر ترکیه، نه تنها رهبر ترکیه بلکه یک رهبر جهان اسلام است.» حزب عدالت و توسعه که رهبری آن را رجب طیب اردوخان بر عهده دارد، شماری از مسؤولان کشورها و رهبران احزاب مختلف را برای حضور در کنگره دعوت کرده است. محمد مُرسی رئیس جمهور مصر، اسامه النجیفی رئیس پارلمان عراق، احسان

کجک نخست وزیر بخش ترک نشین قبرس، المازیک اتامبایف رئیس جمهور قرقیزستان، علی عثمان محمد طه معاون رئیس جمهور سودان، طارق الهاشمی معاون رئیس جمهور عراق، مسعود بارزانی رئیس اقلیم کردستان عراق، محمد شهباز شریف نخست وزیر اقلیم پنجاب پاکستان، امین جمیل رئیس جمهور اسبق لبنان، گرهارد شرودر صدر اعظم سابق المان، یوسف رضا گیلانی نخست وزیر پاکستان، راشد الغنوشی رئیس حزب اسلامگرای نهضت تونس و خالد مشعل رئیس دفتر سیاسی حماس، از جمله شخصیت های حاضر در کنگره حزب حاکم ترکیه بودند. از سوی دیگر، هم از جانب غرب و هم از طرف ننولیبرال های اسلامگرای ایران و سایر کشور های مسلمان نشین، ترکیه به عنوان مدلی مطلوب از پیوند اسلام حکومتی و «دموکراسی» عرضه می شود و از این نظر به غلط با دموکرات- مسیحی های اروپائی مقایسه می گردد.

حوادثی که در چند ماهه بعد از این انتخابات تا انتخابات زودرس ماه سپتمبر، اتفاق افتاد، نشان داد که در پس پرده اصلاح طلبی اسلامی اردوخان و ناسیونالیسم بلندپروازانه او چهره ای تمامیت خواه نهفته است که برای رسیدن به اهدافش از هیچ گونه اقدامی ولو فاشیستی خودداری نمی کند. موج سرکوب روشنفکران و روزنامه نگاران، به دنبال بستن روزنامه ها و رسانه های مخالف تا از سرگیری جنگ با حزب کارگران کردستان (PKK) و تشدید سرکوب کردها، به بهانه های واهی و زیر پا گذاشتن قرار های صلح با آنها و همراه شدن این اوضاع با بمب گذاری های مشکوک که به قتل عام بیش از صد تن از تظاهرات کنندگان لائیک و چپ منجر شد، همه در خدمت این هدف قرار گرفتند که جو عمومی جامعه را نا امن کنند، زمینه را برای نزدیکی افراطیون راست به قدرت حاکم، فراهم سازند، تا حکومت به جلب آرای خرده بورژوازی شهری و روستائی پردازد که علی رغم نارضایتی از سیستم حاکم، به گفتمان امنیتی و شرایط نا آرام، حساس هستند. بدین سان حزب اردوخان در آخرین انتخابات برنده شد ولی باز هم نتوانست اکثریت مطلق را برای تغییر قانون اساسی به دست آورد.

سیاست خارجی ترکیه اسلامی هم بازتابی از ماهیت این حکومت است. که تبارز عمده آن را در سیاست ارتجاعی ترکیه در سوریه و دفاع از داعش و سرکوب و کشتار وسیع کردها - چه در ترکیه و چه در سوریه - شاهدیم. این سیاست ماجراجویانه را نخست وزیر ترکیه «احمد داود داغلو» بدین صورت تئوریزه کرده که منطقه خاورمیانه و شاخ افریقا را بر مبنای دیدگاه نو- عثمانی خویش جزئی از «امپراتوری ترکیه» می داند. (۱) بهار عربی برای ترکیه نیز مانند سایر قدرت های جهانی و منطقه ای فرصتی فراهم آورد که کارت های خود را در صحنه بازی های خاورمیانه و شمال افریقا بیازماید و جا پاهائی برای تحقق رویاهای قدیمی ترک ها بیابد. حمایت فعال از اسلام گرایان تونسی و اخوان المسلمین مصری و خلافت اسلامی داعشی در عراق را در پرتو این دیدگاه می توان ارزیابی کرد. نگاهی به پیش زمینه های حوادث جاری ترکیه و توضیح مفصل تر مطالب فوق، به ما در فهم بهتر آن کمک می کند.

جمهوری جدید ترکیه، از دل ویرانه های جنگ اول و شکست امپراتوری فرتوت عثمانی در ۱۹۲۳ با رهبری مصطفی کمال آتاتورک سربرآورد. کمالیست ها در طی دورانی طولانی تا سال ۲۰۰۲ رژیم استبدادی را با فراز و نشیب های متعدد بر حیات سیاسی ترکیه مسلط کردند. این رژیم وظیفه خدمتگزاری به زایش سرمایه داری ترکیه از دل جامعه نیمه فنودالی از یکسو و جلوگیری از خیزش یک جنبش دموکراتیک و کارگری را در دستور کار خویش قرار داد. ظهور این جمهوری با انقلاب اکتوبر در روسیه و استقرار دولت بلشویکی در مناطق همجوار ترکیه همراه شد و وضعیت جغرافیائی- سیاسی جدیدی به وجود آورد که در آن ترکیه، حلقه مهمی در ستراتیژی دولتهای امپریالیستی غرب در شرق مدیترانه و خاورمیانه بود و با پیوستن به پیمانهای منطقه ای چون بغداد (بعداً سنتو) و ناتو، جلودار جبهه غرب علیه شوروی و مقابله با دولتهای هوادار آن در خاورمیانه گردید. اصلاحات ارضی نیم بندی که کمال مصطفی شروع کرده

بود با شروع جنگ دوم متوقف شد. این اصلاحات پس از ۱۹۴۵ با کمک طرح مارشال از سر گرفته شد و با کندی بسیار به اجراء درآمد اما به تدریج متوقف گردید. در سال ۱۹۵۰ حکومت از حزب جمهوریخواه مردم (حزب کمالیست) به جلال بایار از حزب دموکرات - حزبی که زیر نفوذ زمینداران بزرگ بود منتقل شد و عدنان مندرس - نماینده زمینداران بزرگ - به نخست وزیری رسید (باشاک اوزورال، تحول ترکیه و جلال بایار، مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل کانادا- اوت ۲۰۰۴). دوباره در دهه های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ قوانینی در این زمینه به تصویب رسید که زمینه را برای رشد سرمایه داری فراهم می کرد ضمن آن که به منافع زمینداران بزرگ، به ویژه آنهایی که به شیوه مدرن کشاورزی روی آورده بودند، لطمه ای وارد نیاورد. به این ترتیب، در دهه ۱۹۷۰ اصلاحات ارضی شبیه اصلاحات ارضی ایران در ترکیه به وجود آمد که نتیجه آن از یک سو گسترش روابط سرمایه داری در کشاورزی و سلطه سرمایه داری بر کل اقتصاد ترکیه و ایجاد یا تقویت زمینداران بزرگ مدرن بود؛ و از سوی دیگر انبوه وسیع دهقانان کم زمین (تعداد بسیار زیادی واحدهای کوچک کشاورزی) و جمعیت فزاینده کارگران کشاورزی. اصلاحات روبنائی و مدرنیته کمالی در حد رفع حجاب از زنان و سکولاریزه کردن نسبی سیستم دولتی و آموزشی، باقی ماند و مانند همترازش رضا شاه از به وجود آوردن تغییراتی بنیادی در مناسبات حقوقی و سیاسی باز ماند. استبداد سیاسی همراه سرنیزه نظامیان تا به امروز بر حیات سیاسی - اجتماعی و فرهنگی ترکیه سایه افکنده است.

حزب جمهوری خواه ترکیه برای مدتی طولانی پس از جنگ جهانی اول، دولت تک حزبی را نمایندگی می کرد. در ترکیه اولین انتخابات آزاد به مفهوم رایج آن، پس از جنگ جهانی دوم و در سال ۱۹۵۰ برگزار شد و به دوران سی ساله تک حزبی پایان داد. با این حال ارتش تا اواسط دهه نود میلادی نقش اصلی را در صحنه سیاسی ترکیه بازی می کرد. وضعیتی که مانع از گسترش حزب گرائی و سندیکالیسم و رونق بازار انتخاباتی در مقاطع گشایش سیاسی نشد (۲). شرکت کارگران در حرکت ها و اعتراضات اخیر در ستانبول و آنکارا نشانی از آن است. جنبش کارگری ترکیه در جریان سه کودتای ۱۹۶۰، ۱۹۷۱ و ۱۹۸۰ - بیرحمانه سرکوب گردید. در جریان کودتای ۱۲ سپتمبر ۱۹۸۰ به رهبری «کنان اورن» که حکومتی نظامی- فاشیستی بر ترکیه حاکم شد، حدود ۵۰ نفر از فعالان کمونیست در ملاً عام اعدام و بیش از سی هزار نفر دستگیر شدند که ۶۰۰ نفر از آنها به زندانهای طولانی محکوم شدند. بعداً با اجازه ارتش سه حزب «مادر وطن»، «حزب عوام» و «حزب دموکراسی ملی» شروع به فعالیت کردند. همراه با این احزاب، طیف وسیعی از سندیکاها و اتحادیه های کارگری در ترکیه فعال شدند. اتحادیه معلمان در سال ۱۹۹۵ تأسیس شد که ۲۰۰ هزار عضو دارد و متشکل از ۶ سندیکای معلمان است. تا قبل از ۲۰۰۲ طیف وسیعی از احزاب چپ و ناسیونالیستی در ترکیه شکل گرفتند. با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در ۲۰۰۲ و تأسیس سندیکاهای دولتی که با حمایت دولت رشد کردند، جنبش سندیکائی مستقل ضعیف شد. در سال ۲۰۰۹ سندیکای کارمندان نزدیک به دولت به بزرگترین کنفدراسیون ترکیه تبدیل شد.

ظهور احزاب محافظه کار و اسلام گرا از جمله حزب رفاه، در دهه ۹۰ عامل جدیدی را در شطرنج سیاسی ترکیه وارد کرد. این حزب در انتخابات ۲۴ دسامبر ۱۹۹۵ با ۲۱.۴٪ آراء به عنوان اولین حزب در انتخابات پیروز گردید. حکومت یک ساله حزب رفاه با فشار ارتش و سایر نهادهای حافظ دولت سکولار و کمالیسم کنار گذاشته شد. در سال ۱۹۹۷ حزب اسلام گرای رفاه در ترکیه منحل و نجم الدین اربکان از نخست وزیری ترکیه برکنار شد و از فعالیت سیاسی منع گردید. او با تعدادی از کادرهای جوان در سال ۲۰۰۱، شاخه دیگری از یک حزب اسلام گرای دیگر به نام «حزب عدالت و توسعه» (AKP) ایجاد کردند که در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۰۲ توانست ۳۶ درصد آراء را به نفع خود کسب کند و رجب طیب اردوخان، به عنوان نخست وزیر انتخاب شد. اقبال مردم به حزب جدید، علاوه بر جنبه

مذهبی، و عده های این حزب به حل معضلات اقتصادی و برقراری دموکراسی در ترکیه و حل مسائل قومی و ملی و جنگ دائمی داخلی بود.

در سال ۲۰۰۱ بحران اقتصادی بزرگی ترکیه را در نوردیده بود که با افت ۳۰ درصدی تولید ناخالص ملی و رشد منفی ۵.۷ درصدی و تورم ۵۳.۵٪ همراه بود. ترکیه مانند سایر کشورهای مشابه با پذیرش برنامه های صندوق بین المللی پول و بانک جهانی، سعی کرد از این بحران خارج شود. ترکیه در اواخر دهه ۱۹۹۰ و سال ۲۰۰۰ نسبت تبدیل لیر به دلار را ثابت نگاه داشت. اما وجود تورم و رکود شدید یا بحرانی که به آن اشاره شد باعث گردید که ارزش واقعی لیر و اوراق قرضه لیر کاهش شدید پیدا کند. بخش مهمی از سرمایه داران، به ویژه سرمایه گذاران خارجی و به طور کلی پولداران، لیر ترک و اوراق قرضه لیر را که ارزش آن دائماً کاهش می یافت با دلار عوض کردند و فرار سرمایه از ترکیه شدت گرفت. بدین سان ذخایر ارزی ترکیه به شدت کاهش پیدا کرد و به رغم دریافت کمک از صندوق بین المللی پول وضعیت مالی و پولی بهبود نیافت. در فبروری ۲۰۰۱ ترکیه نرخ برابری لیر در مقابل دلار را آزاد کرد بدین سان لیر یک سوم ارزش خود را از دست داد. ترکیه با عضویت در G20 و اتحاد گمرکی اروپا و کاندیداتوری در جامعه اروپا و عضویت طولانی در ناتو از ۱۹۵۰ و موقعیت ستراتیژیک و ژئوپلیتیکش در چهار راه آسیا و اروپا و افریقا، سال ها همراه با ایران و اسرائیل سرپل نفوذ و استقرار امپریالیسم غرب در خاور نزدیک و میانه بوده است. در پروژه خاورمیانه بزرگ امریکا و تحکیم کریدور انرژی شرق به غرب آن، ترکیه جایگاه مهم و محوری دارد. ترکیه چهارمین شاهراه تأمین انرژی اروپاست. از این زاویه ورود آ.ک.پ به قدرت و وارد کردن اسلام به عرصه سیاسی کشور با برنامه ای نئولیبرالی، امکانی به وجود آورد که در آن نه تنها سرمایه داری جهانی و الیگارشسی داخلی بلکه بسیاری از اقشار سرمایه داری متوسط به ویژه در مناطق آناتولی - پایگاه سنتی حزب عدالت و توسعه - متحد خود را در آن یافتند. سرمایه داری ترکیه طی یکی دو دهه اخیر با بهره گیری از یک رشته شرایط مساعد بین المللی برای آن کشور، جذب وسیع سرمایه و وام خارجی، گسترش صادرات و واردات و غیره از رشد نسبتاً بالایی برخوردار شد اما در چند سال گذشته به خاطر بحران عمومی سرمایه داری در جهان، مشکلات سرمایه داری خود ترکیه، نیاز به عرصه ها و مفرهای بیشتر برای گردش و انباشت سرمایه و نیز افزایش هزینه های نظامی (بین سال های ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۴ از ۹ میلیارد دلار به ۱۷.۶ میلیارد دلار یعنی تقریباً ۲ برابر شده است) و غیره به سمت رکود و افزایش تورم گرایش پیدا کرده است. کاهش حجم تجارت خارجی و پائین آمدن ارزش لیر ترک، افزایش قرض دولتی - افت سرمایه گذاری های خارجی - کاهش تولید ناخالص ملی و تورم و بیکاری، موجب سقوط موقعیت جهانی ترکیه شده است. تولید ناخالص داخلی ترکیه از ۸۲۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۳ به حدود ۷۲۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۵ افت پیدا کرد. نرخ تورم از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵ به ترتیب زیر بوده است: ۸.۸۵٪، ۶.۴۵٪، ۸.۹۴٪، ۷.۴۹٪، ۸.۸۵٪، ۷.۷٪. نرخ بیکاری در سال های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۴ چنین گزارش شده است: ۱۱.۲٪، ۹.۲٪، ۸.۴٪، ۹.۱٪ و ۱۰.۰٪. و نرخ بیکاری در سال ۲۰۱۵ باز هم بیشتر شده است. هر چند نرخ های تورم و بیکاری در ترکیه از نرخ های مشابه در ایران کمتراند، اما در سطح جهانی نرخ های بسیار بالایی به حساب می آیند. ترکیه همچنین به رغم حجم بالای صادرات دچار کسری تراز بازرگانی مهم و فزاینده است: کسری تراز بازرگانی ترکیه طی سال های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۴ چنین بوده است: ۴۰.۹ میلیارد دلار، ۶۶.۶ میلیارد دلار، ۴۱ میلیارد دلار، ۵۴.۲ میلیارد دلار و ۳۹.۹ میلیارد دلار (برای ارقام مربوط به کسری تراز پرداخت یا کسری حساب جاری ترکیه در سال ها مختلف به پیوست رجوع کنید). یک ویژگی دیگر اقتصاد ترکیه حجم بالا و فزاینده وام خارجی (دولتی و خصوصی) این کشور است. در سال ۲۰۱۴ نسبت وام خارجی خصوصی به تولید

ناخالص داخلی برابر ۳۳.۵٪ (حدود ۲۷۰ میلیارد دلار) و نسبت کل وام خارجی به تولید ناخالص داخلی برابر ۵۰.۳٪ (حدود ۴۰۰ میلیارد دلار) بوده است.

در سال ۲۰۱۵، مبلغ کل وام خارجی ترکیه به بیش از ۴۰۵ میلیارد دلار رسید که حدود ۷۰٪ آن وام بخش خصوصی به خارج بود. نرخ بالای بهره وام های خصوصی به خارج از یک سو و تضعیف لیر ترک نسبت به دلار از سوی دیگر، با توجه به این که اکثر وام های ترکیه به دلار است، باعث سنگین تر شدن هزینه وام های خصوصی شده است. در همان حال با توجه به انباشته سرمایه گذاری خارجی در ترکیه (بیش از ۱۶۸ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۴) و سودی که بابت این سرمایه گذاری ها از ترکیه هر سال خارج می شود، شکاف فزاینده بین واردات و صادرات، کاهش درآمد توریستی و درگیری های نظامی فزاینده ترکیه و غیره، تراز پرداخت های این کشور هرچه بیشتر منفی می شود و شکنندگی اقتصاد ترکیه افزایش می یابد. بهره وام های خارجی و سود سرمایه های خارجی در ترکیه مجموعاً ده ها میلیارد دلار در سال است که تأمین و تداوم آن به تشدید هرچه بیشتر استثمر کارگران می انجامد.

ترکیه که طبق آخرین آمارها، مقام هفدهمین اقتصاد بزرگ جهان را یافته، نتوانسته است در زمینه توسعه انسانی مقام بالای خود را حفظ کند. در فهرست شاخص توسعه انسانی سازمان ملل، ترکیه در رده ۹۷ ام قرار دارد. (ایران در این زمینه در رده ۱۱۰ ام قرار گرفته است) رشد اقتصادی ترکیه، عامل انسانی را در رابطه با درآمد و بهداشت و مسکن فراموش کرده است.

(برای اطلاعات بیشتر، به جدول های آمار و توضیحات پیوست در آخر مقاله مراجعه کنید.)

ادامه دارد

بهمن ماه [دلو] ۱۳۹۴

### پینوشت ها:

(۱) احمد داوود اغلو وزیر خارجه ترکیه گفت که صد و ده سال پیش یمن، ارزروم و بنغازی یک کشور بوده اند، وقتی ما این مطلب را می گوئیم به ما می گویند که ترکیه به دنبال نو عثمانی گری است. به گزارش خبرگزاری «تابناک»، وزیر خارجه ترکیه اضافه کرد چرا به کسانی که اروپای واحد را تشکیل داده اند این را نسبت نمی دهند و آنان را احیاءگر امپراتوری روم نمی دانند؟ چه اشکالی دارد که ترکیه به دنبال ایجاد جغرافیای واحد خاورمیانه باشد؟ داوود اغلو همچنین معتقد است بدون این که ترکیه وارد جنگ با کشوری شود و بدون این که طمع به سرزمین های دیگران داشته باشد می تواند یک بار دیگر ساریوو را به دمشق و دمشق را به باتوم متصل کند. او می گوید این نقطه قوت ماست. وزیر خارجه ترکیه اضافه کرد که صد سال پیش یمن و ارزروم و بنغازی یک کشور بودند اگر چه امروزه کشورهای متفاوتی به نظر می رسند. ما افتخار می کنیم به گذشته و امپراتوری عثمانی و ایوبی. اما چشم طمع به سرزمین هیچ کشوری نداریم. چرا ترکیه را که به دنبال خاورمیانه واحد است، متهم به عثمانی گری می کنند؟

<http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/1913597>

(۲) شروع جنبش سندیکائی ترکیه تقریباً به آغاز سده بیستم می رسد. اما تاریخ سندیکاهای معاصر ترکیه از سال ۱۹۴۷ است که در آن سال قانونی مبنی بر آزادی تشکل کارگری، بدون حق مذاکره جمعی و بدون حق اعتصاب، تصویب شد. اکنون در ترکیه اتحادیه ها و کنفدراسیون های سندیکائی متعددی وجود دارند که ۴ کنفدراسیون سندیکائی مهم آن از این قرارند:

**الف) کنفدراسیون اتحادیه های کارگری ترکیه (تورک- ایش TÜRK-İŞ)** که در سال ۱۹۵۲ از اتحاد شماری سندیکای صنعتی و خدماتی به وجود آمد و اکنون حدود یک میلیون و هفتصد و پنجاه هزار عضو دارد. بخش مهمی از کارکنان مؤسسات عمومی عضو سندیکاهای تشکیل دهنده این کنفدراسیون هستند. تورک- ایش عضو کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری ITUC و کنفدراسیون اروپائی اتحادیه های کارگری ETUC است. این کنفدراسیون موضعی محافظه کارانه و سازشکارانه در برخورد به دولت و کارفرما دارد. تکیه تورک - ایش بر «فعالیت قانونی»، «مذاکره اجتماعی (مذاکره با کارفرما)»، «آرامش محیط کار» و «ثبات کشور» است. تورک - ایش تنها سازمان سندیکائی است که در کودتای ۱۹۸۰ کنان اورن ترکیه به حیات خود ادامه داد.

**ب) کنفدراسیون اتحادیه های کارگری انقلابی ترکیه (دیسک DİSK).** این کنفدراسیون در سال ۱۹۶۷ با انشعاب برخی اتحادیه ها از تورک-ایش، تشکیل شد و بعدها اتحادیه های دیگری به آن پیوستند. دیسک اکنون حدود ۳۲۷۰۰۰ عضو دارد. این کنفدراسیون سندیکائی بر اساس مواضع چپ و رادیکال مبارزه جویانه به وجود آمد و در سازماندهی بسیاری از حرکات بزرگ کارگری در دهه ۱۹۷۰ تا سال ۱۹۸۰ شرکت داشت. این سازمان بارها از سوی پولیس و ارتش ترکیه مورد یورش و سرکوبی قرار گرفت. در کودتای ۱۹۸۰ بسیاری از اعضای این کنفدراسیون دستگیر و به حبس های طولانی محکوم شدند و فعالیت های این کنفدراسیون ممنوع شد.

اعضای تشکیل دهنده این کنفدراسیون سندیکائی از رهبران حزب کارگر ترکیه (سوسیالیست) بودند که در عین حال رهبری برخی اتحادیه های کارگری را بر عهده داشتند. این حزب در سال ۱۹۸۷ با حزب کمونیست ترکیه وحدت کرد. در سال ۱۹۹۱ منع فعالیت این کنفدراسیون بر طرف شد. دیسک، مانند تورک- ایش مرکب از سندیکاهای صنایع و خدمات مختلف است و اساساً در واحدهای متعلق به بخش خصوصی فعالیت دارد.

**پ) کنفدراسیون اتحادیه های واقعی کارگری ترکیه (هاک - ایش HAK-İŞ)** در سال ۱۹۷۶ تشکیل شد و ۳۴۰ هزار عضو دارد. این کنفدراسیون به ایدئولوژی اسلامی حزب نجات ملی نزدیک بود. رویکرد این کنفدراسیون مبتنی بر هماهنگی بین کارگر و کارفرما و پرهیز از برخورد رو در رو بین آنان است.

**ت) کنفدراسیون اتحادیه های کارکنان بخش عمومی (KESK).** این کنفدراسیون در سال ۱۹۹۵ تشکیل شد و ۳۰۰ هزار عضو دارد. این کنفدراسیون عضو کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری ITUC و کنفدراسیون اروپائی اتحادیه های کارگری ETUC است.

منبع: ( اتحادیه های کارگری در ترکیه، نوشته دمت شاهنده دینلر ۲۰۱۲ - <http://library.fes.de/pdf-files/id->

[moe/09536-20121221.pdf](http://moe/09536-20121221.pdf) و ویکی پدیا )